



# خدا حافظ جشنواره بیست و هشتم سلام جشنواره بیست و نهم



۱۴۰۲/۱۲/۵  
خبرنامه بیست و هشتمین  
جشنواره بین المللی تئاتر  
کودک و نوجوان - اردکان

BULLETIN OF THE 28TH FESTIVAL  
INTERNATIONAL THEATER FOR CHILDREN  
AND ADOLESCENTS - ARDAKAN



خبرنامه بیست و هشتمین جشنواره  
بین المللی تئاتر کودک و نوجوان - اردکان

سر دبیر: منوچهر اکبر لو  
مدیر هنری: ابوالحسن (حمید) زریباف  
تحریریه: مرجان سمندری معطوف  
و فاطمه امیداله  
مترجم بخش انگلیسی: هلیا اکبرلو

Bulletin of the 28th festival International  
Theater for Children and Adolescents - Ardakan

Chief Secretary: Manouchehr Akbarlou  
Art Director: Abolhassan (Hamid) Zaribaf  
Editors: Marjan samandari Matof and  
Fatemeh Omidalah  
Translator: Helia Akbarlou

## Theatre in IRAN ⑤ Kheyme Shab Bazi

Kheyme Shab Bazi is a type of Iranian puppet show that is performed in public places such as the city square.

The puppets are made of cotton. They have a human appearance. Their faces are painted and they wear cloth or paper clothes. In ancient times, the puppets were made of old wood with plaster heads. These puppets move with a maximum of six threads that are tied to their heads, hands and feet, if they are gloves puppets, the middle and thumb fingers are instead of the puppet's two hands, and the first finger is instead of the puppet's head, and the wrist moves instead of the puppet's body.

The place of this show is in a box called a tent, with one side open towards the audience, which the puppeteer hides behind it. The puppeteer usually puppeteering a large number of puppets alone. He speaks instead of them by "sapphire" (A type of whistle) which puts in his mouth. "Morshed"(ringmaster) along with puppeteer by a drum and another musician with a fiddle lead the story.







## تاریخچه جشنواره های تئاتر کودک و نوجوان در ایران ۵

احمد بیگلریان

در سال ۱۳۷۰، فراخوان اولین دوره برگزاری جشنواره کودک و نوجوان (امید) کشوری شکل گرفت. اکنون چند دهه از آن روزها می گذرد. جشنواره کودک و نوجوان بین المللی شده، با بخش های متنوع در گستره جهانی. کتاب تاریخچه جشنواره تئاتر کودک و نوجوان، تاریخ شکل گیری، پیدایی و جزئیات این جشنواره را از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۹ (دوره های ۲۶ تا) بررسی می کند و به نوعی پاسداشت حضور هنرمندان تئاتر را در باروری چنین رویداد هنری را یاد آوری می کند.

این پژوهش در نوع خود، کار بزرگ و خستگی ناپذیری بود که تنها از دست منوچهر اکبرلو بر می آمد. حالا کودکان و نوجوانان و دست اندر کاران تئاتر کودک و نوجوان، دارای هویت هنری و صاحب تاریخ تئاتر خودشان هستند

آنچه که در این پیشرفت حائز اهمیت است، نگاه نوگرانه و خلاق به گونه های مختلف نمایشی است. کودکان می آیند تا با دنیای رنگ و نور و صحنه و یافته های جدید و خلاقیت های متفاوت، جادوی تئاتر را تجربه کنند. به همین دلیل است که مارک تواین می گوید «تئاتر کودک از بزرگترین ابداعات قرن بیستم است». کتاب حاضر چشم انداز آینده تئاتر کودک و نوجوان را استحکام می بخشد. زیرا که چنین حجم بزرگ فعالیت پیشینیان، تعهد بزرگتری را بر دوش آیندگان تئاتر کودک خواهد گذاشت.



سخن پنجم

منوچهر اکبرلو

۱- تئاتر کودک بدون آموزش، بدون سالن و بدون حمایت پیشرفتی ندارد. و البته جشنواره، جای حمایت تئاتر استانها نیست. نگاه بد و ترحم آمیز و ناعادلانه ای است که بخواهیم همه بی توجهی ها به تئاتر در یک شهرستان، در طول سال را در جشنواره جبران کنیم. کارگردانان بیشتر شهرها وقتی با جایزه برمی گردند و تندیس را روی طاقچه می گذارند، فردا که تیریکها تمام شد و او ماند و تئاتری که وجود ندارد، آیا دچار سرخوردگی نخواهد شد؟

۲- بسیاری معتقدند که ای کاش به جای جشنواره، همایش می داشتیم تا فرصتی باشد بدون انتخاب، بدون رقابت و در یک محیط دوستانه و صرفا تبادل تجربه، کارهای هم را ببینیم.

۳- جشنواره امسال برای شهر اردکان یک تجربه جذاب بود. انتظار می رود بلافاصله مدیران و هنرمندان اردکان، به جمع بندی جشنواره بپردازند تا چراغی باشد فراراه جشنواره بیست و نهم.



چی شد اومدی سراغ تئاتر کودک ؟  
شعار ندین! اون خاطره ای را که براتون اتفاق افتاد به یاد بیارین.  
این سوال را از کارگردانها پرسیدیم. و اینجا جوابشون رو می‌خونین.

## شاهزاده شامپیا

کارگردان: احسان مجیدی

تهران

بخش کودک



همیشه همین طور بوده، وقتی سر و کارم به بچه‌ها می‌افتد، کلا یادم می‌ره که توی آن لحظه مشغول چه کاری هستم و با آن‌ها سرگرم بازی می‌شوم. البته بازی‌های خنده‌دار. به نظرم، هر جا که بچه‌ها هستند، باید کاری کرد تا صدای خنده آن‌ها دنیا رو بر دارد. خاطرم هست اواخر دهه هفتاد امیر مشهدی عباس در «مکتب خانه هنر» هم‌کلاس من بود و با نمایش «لافاکادیو»

من را با دنیای تئاتر کودک و

نوجوان آشنا کرد.



## عطر قشنگ دوستی

کارگردان: سیده منصوره قیمی

گیلان رشت

بخش خردسال



باتوجه به اینکه در مورد عروسک‌های آیینی و سنتی گیلان نیز پژوهش می‌کنم، متوجه شدم فهم و درک نمایش‌های فولکلور برای کودکان سخت است. و از آنجایی که دوست دارم کودکان امروز با فرهنگ و آیین نیاکانشان بیشتر آشنا شوند و انس بگیرند و با وجود اینکه برخی از این نمایش‌ها عروسکی نیستند، اما مجموعه‌ای از این عروسک‌ها را طراحی و ساخته‌ام. به نظر من تبدیل آیین‌ها و قهرمان‌های اسطوره‌ای گیلان به صورت نمایش

خردسال و کودک مانند سیاه گالش، چهارشنبه خاتون، رعنا، نمایش عروس گولی و... و در تلاشم با سبکی متفاوت به صورت نمایش خردسال و کودکانه در کنار کارهای دیگرم در آورم.



اولین تئاتر کودک یا نوجوانی که توی زندگیت دیدی چی بود؟ اسم نمایش یادته؟ کارگردان؟ چند سالگی و احساسات پس از دیدن اون تئاتر؟  
میتونه حتی توی اینترنت باشه یا تلویزیون یا رادیو یا هرجا.

## دلگ

کارگردان: سعید ابک

تهران

بخش نوجوان

اولین بار که قصه صوتی «شاپرک خانم» را شنیدم، نقطه‌ای در اعماق وجودم روشن شد. خاطرم هست هنوز به بلوغ فکری نرسیده بودم؛ اما صداها، بازی با کلمات و جملات جادویی اش، زلزله‌ای در درونم انداخت و هر لحظه مرا به روشنایی دعوت می‌کرد. بیژن مفید؛ مفیدترین آرتیستی که همچنان در ذهنم، جانم و قلبم مانده است. گویی که برای نوشتن، بازی کردن، کارگردانی و به طور کلی ساخت اثری نمایشی باید به او رجوع کرد؛ همچون یک مرجع. بیژن مفید، هنرمندی که اندیشه اش در شاپرک خانم، شهر قصه و ماه و پلنگ فراموش ناشدنی و ادامه دار است.

کسی که روشنایی بخشید به نگاهم، ذهنم و درونم.



## قصه خوب خدا

کارگردان: جلال الدین ندیمی

آستانه اشرفیه

بخش کودک



اگر بخواهم از اولین کار تئاتر کودک که دیدم برای شما بگویم برمی‌گردد به ۱۱ سال پیش که من حدوداً ۱۲.۱۳ سالم بودم. خاطرم هست یک نمایش کودک به اسم بازی و کودک بود که به دلایلی من خودم بازیگر همین نمایش شدم و شروع کار من در دنیای هنر بود.

نمایش به دغدغه کودک‌ها توجه جدی داشت و اینک کودک‌های این نسل یعنی همان زمان دیگر مکانی برای بازی کردن نداشتند و هر کجا که بازی می‌کردند بزرگترها اجازه نمی‌دادند و همین باعث شد آن بچه‌ها به بازی‌های مجازی و کنسول‌های بازی روی بیاورند و ما غافل از این هستیم که این مدل بازی‌ها چه آسیبی به این بچه‌ها می‌رساند.



با کارگاه‌های جشنواره



خبرنامه بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان - اردکان ۱۴۰۲/۱۳/۵



خبرنامه بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان - اردکان ۱۴۰۲/۱۳/۵



## تاریکی

**عروسک گردان: مینا مقامی زاده**

**تهران**

**بخش خردسال**



اولین باری که نمایش دیدم هنوز خواندن و نوشتن بلد نبودم. با مادرم، برادرم و خواهرم بلیت به دست، خوشحال رفتیم نمایش ببینیم. موقع ورود مادرم گفت: «از طرف عبدالله شیاری دعوت شدیم.» و آن‌ها گفتند: «پس مهمان استاد هستید. بفرمایید.» بعد از ورود همگی وارد سالن بزرگی شدیم و روی صندلی پلاستیکی منتظر نشستیم بودیم تا نمایش شروع شود. وقتی بازیگرها وارد صحنه شدند و غرق در خیال خود بازی می کردند، من چهارساله روی صندلی سفید پلاستیکی ایستادم و با تمام وجود فریاد زد: «دایییییی، داییییی عبدالله.» مادرم با تمام توان دامن منو می کشید و التماس می کرد که بشینم. می گفت: «الان دایی نمیتونه جوابتو بده چون بازی میکنه.» بعد از من، برادر و خواهرم هم رفتند روی صندلی خود ایستادند و فریاد زدند دایییی. مادرم هم در تلاش بود که هیجان سه بچه ۳و۴و ۵ ساله اش را کنترل کند. با توجه به این که اسم نمایش را یادم نیست، اگر اشتباه نکنم کارگردانش آقای حجت الله تجلی بود. شعر و آوازش را یادم است و بازیگرهایش را هم می شناسم. چون از بچگی رفت و آمد خانوادگی داشتیم و خانه مادربزرگم زیاد می آمدند... الگوی من در کار و اخلاق دایی عبدالله بود، ایشان در مقطع کارشناس رشته بازیگری فارغ التحصیل شدند و در بازیگری،کارگردانی تلویزیون حرفه ای هستند. هر چند جاشون در ایران بسیار خالی است، اما تاثیرشان در اخلاق و کار، روی من همچنان وجود دارد.

## گریمور: مهسا خدایی اصفهان بخش خیابانی



خاطرم هست یک نمایش کار می کردیم که ۵۲ نفر بودیم، حدود ۲۵ نفر بازیگر کودک داشت، پشت صحنه داشتیم با خیال راحت گریم نفر آخر را انجام می دادم که دیدم یکی از بچه ها آمده لباس من را می کشد و می گوید: «خاله، خانوم مختاری مرد (مدیر صحنه ما)،» من هم گذاشتم رو حساب شیطنت آن بچه و گفتم: «باشه، برو.»
گفت: «نه، به خدا خانوم مختاری مرده.» اهمیتی ندادم. گفتم بچه است یک چیزی می گوید. بار سوم شک کردم نکند راست بگوید، با آن قیافه دویدم پشت صحنه و دیدم بچه ها عین لشکر مورچه جمع شدن روی یک نفر. قلبم هزار تا می زد. آخه وسط اجرا جنازه را کجا بذاریم؟ به مردم چی بگیم؟ خلاصه از سر و کله بچه ها بالا رفتم. دخترامون زار می زدند و گریه می کردند. گفتم: «وای، حالا به بچه ها و شوهرش چی بگم؟»، جلوتر یک بچه ۸ ساله تنفس مصنوعی می داد. با هر فوت کردنش خودش بیشتر از مریض باد می کرد.

یکی می زدش که تلافی دعوایی که پشت صحنه کرده بود در بیاید. یک نفر می گفت: «اگه تو نافش انگشت کنیم، بلند می شه.» انقدر شلوغ بود خودم داشتم از نفس تنگی از هوش می رفتم. خلاصه زنگ زدم اورژانس. انقدر صداهای عجیب می اومد، فکر کردند مزاحمم گوشه را روی من قطع کردند. خلاصه با سختی زیاد از لای بچه ها رسیدم به خانم مختاری. متوجه شدم خانم مختاری فقط فشارش افتاده بود و شکلات می خواست .



**به خاطره از کارات توی تئاتر تعریف کن.**

(تلخ و غمگین نباشه! بامزه و خنده دار باشه.)

## امروز درختی خواهم شد

**طراح لباس: مریم یادگار صالحی**

**آبادان**

**بخش خیابانی**



مثل همیشه خیلی باذوق و شوق مشغول کار بودم. نشسته بودم کف زمین میان پارچه های رنگی رنگی و داشتم کلاژ کار می کردم، ترکیب نقاشی و پارچه. طرح ۳ تا در خونه بود که می شد ورودی نمایش بچه ها. برای چسباندن پارچه از چسب پانکس استفاده می کردم. خلاصه کارم تمام شد و خواستم برای تمیزی کارم، دور پارچه ها رو که ریش ریش شده بودند صاف کنم. فنذک را روشن کردم نزدیک پارچه بردم. من اصلا متوجه این نبودم که چسب قابل اشتعال است! یک دفعه دیدم جلویم آتش شعله ور شد. بچه های تئاتر مشغول کار بودند و من با خنده می گفتم: «آتیش آتیش!» و آن ها متوجه جدیت من نمی شدند. چون من می خندیدم... تا اینکه آقای غلامیان و آقای فریدنی بدو آمدند و آتش را خاموش کردند و من همچنان نشسته بودم و تکان نمی خوردم. مانده بودم چرا می خندیدم... واقعا چرا؟! ولی خدا را شکر کار خراب نشد هیچ، قشنگتر هم شد!

نمایش امروز درختی خواهم شد

## داستان گم شدن هویچ آقا و سیب زرده و کلوچه خانم

**آهنگساز: سید یحیی موسوی**

**مشهد**

**بخش خردسال**

از دوران دانش آموزی با خواندن سرود و سپس آهنگسازی و مربیگری سرود کار خودم را شروع کردم (که هنوز هم مشغول هستم) و از همان دوران با هم مدرسه ای هایم که تئاتر کار می کردند، دوستی و همکاری داشتم که ادامه پیدا کرد و پس از پایان تحصیل در مدرسه هم تا کنون ادامه دارد و باعث شده است با خیلی از استادان تئاتر مشهد و خراسان آشنا شوم و همکاری داشته باشم و در این راه به موفقیت‌های زیادی دست پیدا کردم.

خاطرم هست اوایل کارم بود. با یک گروه به عنوان آهنگساز رفته بودم جشنواره و طبق معمول پس از اجرای نمایش می بایست روی صحنه می رفتیم (رورانس) و خودمان را معرفی می کردیم. هرکدام از عوامل باید خیلی مختصر خودشان را معرفی می کردند. از آنجا که خجالتی هم بودم، خیلی استرس داشتم. نوبت به من که رسید به جای اینکه بگویم: «سید یحیی موسوی هستم ساخت موسیقی کار با من بوده»، گفتم: «سید یحیی موسیقی هستم...» و بعد هم ماندم چی بگویم؟ چون به شکل عجیبی لب مطلب را ناخودآگاه و دست و پا شکسته گفته بودم. قرمز شدم و همه خندیدند و مجبور شدند برایم دست بزنند. تشویق که تمام شد به هر زحمتی جمله معرفی ام را گفتم و همه مجبور شدند دوباره من را تشویق کنند.

نمایش امروز درختی خواهم شد



**کاظم نظری**

**مدیر کل هنرهای نمایشی**

امیدوارم با نگاهی دانش‌محور و تعه‌دآور به جایگاه و قدرت تاثیرگذاری آموزه‌های معنوی و اخلاقی موجود در متن فرهنگ و هنر ایران اسلامی، جامعه نمایش کشور بتواند پنجره‌های ظریف تئاتر کودک و نوجوان را به تماشای صحنه‌هایی زندگی ساز و آگاهی‌بخش بگشاید تا به لطف حق، آفتاب سعادت و آزادیگی، بی‌دریغ‌تر از همیشه به فدای فرزندان این آب و خاک تابانده شود؛ چرا که به یقین، افتخار و نیکه‌گاه ما آن چیزی است که با تلاش و آینده‌نگری، "تولید" می‌کنیم نه آنچه در رویاهای خود به آنها دل می‌بندیم.



**ترین‌های ۲۸دوره جشنواره**

**از گروهی از کارشناسان مطبوعاتی خواستیم نظرشان را درباره**

**بولتن ها و فعالیت‌های دوره های مختلف جشنواره مطرح کنند**

**حاصل آن را در زیر میخوانید.**

بهترین نقد نمایشها: نیما بیگلریان - جشنواره ۱۸ سال ۱۳۹۰

بهترین مقاله در نشریات روزانه و کاتالوگ: نصرالله عبادی و منوچهر اکبرلو

بیشترین حضور در جشنواره: هیات انتخاب،داوری، برگزارزی کارگاه: منصور خلج

پربارتیرن نشریه روزانه: دوره ۱۷، سال ۱۳۸۹سردبیرفرزاد سپهر

متفاوت ترین گرافیک نشریات روزانه - دوره ۲۱، سال ۱۳۹۳ مدیر هنری و طراح

نشریه: سهیل حسینی

ضعیف ترین دوره جشنواره، جشنواره۱۲، سال ۱۳۸۴ ، گچساران

بیشترین دوره دبیری جشنواره: محمدحسین صوفی در همدان (دوره ۱ تا

۶)سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵

پربارتیرن گردهمایی: جشنواره ۶، سال ۱۳۷۵

بهترین مصاحبه ها : شهرام بزرگی،دوره ۱۸ ،سال ۱۳۹۰

پرشورتیرن افتتاحیه ها: باغ نور اصفهان،دوره های ۱۳ تا ۱۷(سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹)

پربارتیرن دوره از نظر انتشار کتاب، دوره۱۶، سال ۱۳۸۸ با انتشار ده

کتاب،مسئول : حسین فدایی حسین

پرحجم‌ترین نشریات روزانه، دوره۱۹سال ۱۳۹۱، سردبیر: حسین صفی

بهترین بخش انگلیسی نشریات روزانه جشنواره ها، دوره ۱۹، سال ۱۳۹۱،

مترجم: شبنم حقیریان

بهترین مجموعه عکس جشنواره: دوره ۱۶ ،سال۱۳۸۸، عکاسان: خسرو

خالقی، احسان خسروی، مهدی قانونی

فعال‌ترین عکاس: اختر تاجیک، دوره‌های مختلف جشنواره

## همراه با کتاب‌های جشنواره

اگر آغاز تئاتر کودک را سال ۱۲۹۸ شمسی در نظر بگیریم که زنده‌یاد جبار باغچه

بان با بچه‌های مدرسه «احمدیه» در مرند نمایش «خُرخُر» را روی صحنه برد،

اینک ما در آغاز قرن دوم این پدیده مهم هنری و فرهنگی قرار داریم. این جریان

فرهنگی، تاریخ یک قرن خود را می‌طلبد. فرهنگ‌نامه خود را می‌خواهد و

پژوهش‌هایی را می‌طلبد که در کمیت و کیفیت آن به جست‌وجو بپردازند.

این سه جلد کتاب که با حمایت جشنواره، امسال منتشر می‌شود از

مجموعه کتاب‌هایی است که در طرح تاریخ شفاهی تئاتر کودک و نوجوان

منتشر می‌شود. این طرح می‌کوشد زندگی، آثار، شیوه‌های آموختن و آموزش

دادن‌های هنرمندان پیشکسوت تئاتر کودک را جمع‌آوری، تدوین و انتشار دهد

تا تجربیات آن‌ها به کار نسل‌های بعد بیاید و چه نیکو‌که آغازگر این مجموعه،

پروانه باغچه بان، فرزند برومند زنده‌یاد جبار باغچه‌بان آغازگر این حرکت

فرهنگی هنری است. این مجموعه مروری است بر زندگی، به‌ویژه کودکی با

تمرکز بر فعالیت‌های این هنرمندان در حوزه‌ی تئاتر کودک و نوجوان. امید

است دیگر فعالیت‌های هنری و اجتماعی این هنرمندان نیز توسط دیگر

پژوهشگران تدوین و منتشر شود.

طرح تاریخ شفاهی تئاتر کودک،توسط بنیاد نمایش کودک درحال اجراست و تا

امروز ۱۳جلد آن به چاپ رسیده است.

داوود کیانیان ، یداله آقا عباسی،

منصور خلج، عباس‌جها‌نگیریان،

منوچهر اکبرلو، حسین‌فدایی‌حسین

و فائزه فیض‌شیخ‌الاسلام اعضای

بنیاد نمایش کودک هستند.

